

## حکیمانه بودن هنجارگذاری و اثر آن بر پیشگیری از کجروی از منظر

### قرآن کریم

محمد داوری\*

علی قربانی\*\*

#### چکیده

فرایند پیشگیری و کنترل آسیب‌های اجتماعی در دین اسلام، از مرحله هنجارگذاری شروع و تا مراحل اجتماعی کردن، درمان، جامعه‌پذیری مجدد و مجازات کجروان ادامه پیدا می‌کند. هدف این پژوهش ارائه معیارها و ویژگی‌های حاکم بر نظام هنجارگذاری از دیدگاه آموزه‌های قرآن کریم است. سؤال اصلی پژوهش این است که: فرایند هنجارگذاری از دیدگاه آموزه‌های قرآن کریم چیست و چگونه می‌تواند اجرای صحیح آن در مقام عمل، از کجروی پیشگیری کند؟ این تحقیق که نوعی تفسیر موضوعی قرآن کریم محسوب می‌شود، با روش اسنادی و تحلیل محتوای کیفی و با مراجعه به آیات مرتبط با موضوع مورد تحقیق و کدگذاری و تحلیل این آیات انجام گرفته است. محورهای مهم در فرایند هنجارگذاری از دیدگاه آموزه‌های قرآن، عبارتند از: پذیرش هنجارگذار بودن خداوند؛ تعیین هنجارهای مورد نیاز از طرف خداوند؛ ابهام نداشتن هنجارها؛ زمینه‌سازی برای پذیرش هنجارها؛ جعل نکردن هنجارهای شکننده؛ رعایت راحتی اشخاص در جعل هنجار؛ معیار عقلی داشتن هنجارگذاری؛ ممنوعیت جعل هنجار برای ویژه‌خواری؛ محدود بودن هنجارهای منع‌کننده رفتار؛ تحریف نکردن هنجارهای مبتنی بر حق؛ تسهیل‌کننده بودن هنجار اجتماعی؛ بهنجار نشدن هنجارشکنی به جهت کثرت متخلفان از آن هنجار؛ جواز نقض هنجار برای مصلحت مهم‌تر؛ انعطاف در هنجارگذاری و اجرای هنجار. رعایت صحیح این موارد در فرایند هنجارگذاری، تعهد درونی به اجرای هنجار را تقویت کرده و احتمال نقض آن را کم می‌کند و سبب پیشگیری از کجروی خواهد شد. واژگان کلیدی: قرآن، پیشگیری، جرم، هنجار، قانون‌گذاری، کنترل اجتماعی.

### بیان مسئله

شیوع تأمل برانگیز کنش‌های کجروانه در گونه‌های متفاوت، عواطف جامعه را جریحه‌دار کرده و موضوع صیانت از کیان دینی جامعه و ارزش‌های حاکم بر آن را به یک «مسئله اجتماعی» و اولویتی فوری تبدیل کرده است، بنابراین نیاز است از همه ابزارها به‌ویژه ظرفیت آموزه‌های اسلامی در جهت کنترل کجروی در جامعه استفاده شود. اسلام، دین کامل و جامعی است که برای هدایت و کنترل کنش‌های اشخاص، دستورالعمل مشخص و مناسب دارد. این برنامه از مرحله هنجارگذاری شروع شده و تا مراحل نظارت و زمینه‌سازی برای هدایت و اصلاح کجروی ادامه پیدا می‌کند. مراجعه به منابع اسلامی و استخراج و تنظیم این نظام کنترلی و اجرای صحیح آن به همراه استفاده از دستاوردهای علمی بشری، زمینه پیشگیری و کنترل آسیب‌های اجتماعی را در جامعه فراهم می‌سازد.

یکی از راهکارهای کاربردی برای پیشگیری و کنترل کجروی، ایجاد کنترل درونی در اشخاص است که یکی از عناصر مهم و اثرگذار در تقویت این نوع از کنترل اجرای صحیح فرایند هنجارگذاری و تعامل مناسب هنجارگذاران با اشخاص آماج هنجار می‌باشد. اگر هنجارگذاران صلاحیت و مقبولیت کافی برای هنجارگذاری داشته باشند و این مقبولیت برای آحاد جامعه، پذیرفته شده باشد و همچنین قوانین نیز با معیاری عقلانی و متناسب با نیاز، توانایی و مصلحت انسان‌ها وضع شده باشند، احتمال نقض قانون در جامعه کمتر می‌شود، بنابراین پذیرش و درونی‌سازی هنجارها در مرحله جامعه‌پذیری، تمایل درونی و تعهد اشخاص را در تبعیت از هنجار بیشتر می‌کند و عامل مؤثری برای پیشگیری از کجروی خواهد بود.

ضرورت این تحقیق نیز آن است که یکی از عناصر مهم در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در جامعه اسلامی ایران استفاده از آموزه‌های دینی است؛ علاوه بر اینکه ارائه نظریه‌ای اسلامی برای پیشگیری و کنترل آسیب‌های اجتماعی مبتنی بر آگاهی از دیدگاه قرآن در این باره است؛ استخراج و جمع‌بندی آموزه‌های قرآنی درباره هنجارگذاری یکی از حلقه‌های تکمیل این نظریه است. همچنین یکی از مهم‌ترین راهکارها برای انتقال و درونی‌سازی هنجارها در مرحله جامعه‌پذیری ایجاد «تعهد اشخاص به هنجارهای اجتماعی و احساس ارزشمندی این هنجارها» است و این مهم از طریق آگاهی از دیدگاه قرآن کریم در این باره و پای‌بندی عملی به آن حاصل می‌شود. هدف اصلی این تحقیق نیز، استخراج و تنظیم آموزه‌های قرآن درباره «فرایند هنجارگذاری و اثر آن بر پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی» است. علاوه بر هدف اصلی، اهداف دیگر نیز، مدنظر بوده است:

۱. زمینه‌سازی برای تدوین نظام کنترل اجتماعی اسلامی. ۲. ارائه راهکارهای عملی پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی به مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران.

پرسش اصلی تحقیق عبارت است: فرایند هنجارگذاری و اثر آن بر کنترل آسیب‌های اجتماعی از دیدگاه آموزه‌های قرآن کریم، چگونه است؟

### چارچوب مفهومی

موضوع پژوهش حاضر، «حکیمانه بودن هنجارگذاری و اثر آن بر پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی از دیدگاه آموزه‌های قرآن کریم» است. این پژوهش، تحقیقی اکتشافی است، از این‌رو چارچوب نظری و فرضیه ندارد. این تحقیق درصدد است که گزاره‌های اسلامی را در قالب مفاهیم جامعه‌شناسی ارائه کند و به جمع‌بندی نهایی با دیدگاهی منتصب به آموزه‌های قرآن کریم در این‌باره برسد؛ بنابراین، از زبان و ذهنیت جامعه‌شناسی بهره می‌برد تا به توضیح اصلی‌ترین مفاهیم خود بپردازد. مفاهیم اصلی تحقیق، عبارتند از: «کنش اجتماعی»، «هنجار»، «جامعه‌پذیری»، «کجروی»، «کنترل اجتماعی»، «کنترل درونی»، «پیشگیری اجتماعی».

**کنش اجتماعی:** «کنش آن رفتار انسانی است که دارای معنای ذهنی خاصی باشد» (وبر، ۱۳۷۴، ص ۳). کنش آنگاه که معطوف به دیگری باشد، و «رفتار دیگران در معانی ذهنی» کنشگر لحاظ شده باشد، کنش اجتماعی است (همان، ص ۳ و ۸۰). در بیانی کلی می‌توان «کنش اجتماعی» را تمامی انواع «حالات فکر، احساس و عمل» قلمداد کرد که سمت و سوی آنها، با تکیه بر «الگوهای جمعی (الگوهای مشترک بین اعضای یک اجتماع)» تعیین می‌شود (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳، ص ۲۲-۲۷ و ۴۵).

**هنجار:** هنجار واژه‌ای است که در فارسی معادل کلمه (Norm) به کار برده می‌شود. نُرم از زبان لاتین و یونانی اخذ شده و به معنای مقیاس است (رفیع‌پور، ۱۳۷۸، ص ۱۳). با توجه به نوع نگاه به هنجار، تعاریف گوناگونی می‌توان از آن ارائه کرد که عبارت است:

۱. شکل مورد توافق عمل: از لحاظ افراد درگیر در تعامل برای اولین بار؛ یعنی توافق‌کنندگان و ایجادکنندگان؛

۲. شکل مورد قبول عمل: از نظر عضو تازه‌وارد گروه که باید آداب و هنجارهای گروه را بیاموزد و خود را با آن تطبیق دهد؛

۳. هم‌شکلی‌های مشاهده شده در اعمال: از نظر یک محقق جامعه‌شناسی که وارد یک جامعه ناآشنا شده است و می‌خواهد فرهنگ و زندگی اجتماعی آنان را مطالعه کند (صدیق اورعی، ۱۳۸۲، ص ۲۳-۲۵).

جامعه‌شناسان ویژگی‌های زیر را برای هنجار بیان کرده‌اند: ۱. قاعده و استاندارد کنش‌های اجتماعی (تنظیم روابط اجتماعی، فعالیت مشترک و کنش اجتماعی)؛ ۲. رعایت کردن اکثریت؛ ۳. مجازات در صورت عدم رعایت (رفیع‌پور، ۱۳۷۸، ص ۱۵).

میزان وضوح (عدم ابهام) هنجار، میزان گرانباری هنجار، میزان هماهنگی (عدم تعارض) هنجار با سایر هنجارهای گروه؛ در فرایند درونی شدن هنجارها تأثیرگذار هستند.

جامعه‌پذیری: «جامعه‌پذیری» عبارت است از: فرایند کلی و مستمر کنش متقابل اجتماعی که در خلال آن، افراد عناصر اجتماعی و فرهنگی محیط (ارزش‌ها، الگوها، هنجارها و نگرش‌های گروهی و اجتماعی) را آموخته، درونی می‌سازند؛ و خلاقانه، خود را با آنها همساز و توانمندی‌ها و مهارت‌های لازم زندگی اجتماعی را کسب می‌کنند (کوئن، ۱۳۷۲، ص ۲۰۰ و سلیمی و داوری، ۱۳۹۱، ص ۱۴۳).

کجروی: از نظر توماس کوهن، کجروی را می‌توان براساس دو مفهوم «کنش» و «شکستن هنجار» متکی ساخت و آن را «کنش شکننده هنجار» دانست این تعریف را «متعارف‌ترین کاربرد معنایی» کجروی می‌داند (قائم مقامی، ۱۳۵۵، ص ۸۷-۸۸).

کنترل اجتماعی: کنترل اجتماعی، فرایندی اجتماعی است که با بهره‌گیری از مجموعه‌ای از منابع مادی و نمادین و قواعد و اصول معین که ضمانت اجرا دارد، به دنبال تحقق هم‌نواپی رفتاری اعضای خویش و مقابله با کجروی است (سلیمی و داوری، ۱۳۹۱، ص ۴۵۲).

شیوه‌های اعمال کنترل اجتماعی: کنترل اجتماعی به دو گونه انجام می‌شود:

۱. اجبار: کاربرد وسایلی، مانند مجازات‌های قانونی و تنبیه؛

۲. اقتناع: واداشتن درونی افراد به پذیرش هنجارهای اجتماعی با وسایل گوناگونی، مانند تبلیغ، پاداش، اعتبار، اعطای درجه، تمجید و تشویق و قدردانی (ساروخانی، ۱۳۷۷، ص ۶۹۸؛ سلیمی و داوری، ۱۳۹۱، ص ۴۴۷).

### انواع کنترل اجتماعی

کنترل رسمی: کنترل اجتماعی رسمی، دربردارنده اقدام‌هایی است که منابع اقتدار، آنها را در مسیر مقابله با وقوع جرم و کجروی در جامعه عهده‌دار می‌شود. این اقدام‌ها به سبب متکی بودن بر ضمانت‌های اجرایی دولتی، از یک طرف، به‌طور عمده الزام‌آور و متکی بر قهر و اجبارند و از طرف دیگر، به گستره‌ای خاص از هنجارهای اجتماعی (هنجارهای رسمی) محدود است که با تکیه بر همان ضمانت اجراهای حکومتی تعریف می‌شود (سلیمی و داوری، ۱۳۹۱، ص ۵۰۱).

کنترل غیر رسمی: کنترل غیر رسمی، گونه‌ای از کنترل اجتماعی است که در گستره‌ای به تناسب جامعه، توسط هر یک از اعضا و در محیط‌های متفاوت خانواده، مدرسه، محل کار، اماکن مذهبی و غیره انجام می‌شود. این گونه از کنترل، در نقطه مقابل کنترل رسمی و براساس اصول اخلاقی، ارزش‌ها و هنجارهای متعارف است. ضمانت اجرای اصلی کنترل غیر رسمی عبارت است از:

- متغیرهای درونی، مانند ترس از پذیرفته نشدن رفتار در اجتماع، ترس از روبه‌رو شدن با مخالفت جامعه، نگرانی از طرد اطرافیان و غیره؛

- اهرم‌های بیرونی، مانند تمجید و تشویق رفتارهای راست‌روانه و در مقابل، تمسخر، سرزنش و حتی طرد کجرو توسط دیگران (سلیمی و داوری، ۱۳۹۱، ص ۵۰۷).

کنترل درونی: کنترل درونی نوعی مکانیسم کنترل اجتماعی است که در نتیجه آن، فرد خود را از درون به انجام رفتار مورد انتظار از خویش ملزم می‌بیند؛ بدون نیاز به انواعی از الزام‌ها یا محدودیت‌های ملموس و فیزیکی، یا اعمال آنها را در جهت الزام به انجام آن کنش احساس کرده باشد (مندراس و گورویچ، ۱۳۵۶، ص ۱۶۱؛ لنسکی، ۱۳۷۰، ص ۴۸؛ آرون، ۱۳۷۷، ص ۳۴۳).

پیشگیری: پیشگیری، یکی از راهبردهای اساسی در حوزه کنترل اجتماعی و مقابله با آسیب‌های اجتماعی است. این راهبرد، عمدتاً پیشینی - یعنی، ناظر به مقطع پیش از وقوع آسیب‌های اجتماعی - و متشکل از مجموعه راهکارهای مستقیم و غیر مستقیم است که با هدف از بین بردن یا کاهش احتمال وقوع آسیب و ایجاد امکانات و موقعیت‌های بازدارنده از وقوع آن، طراحی و تدوین می‌شوند (العوجی، ۱۹۸۷، ج ۲، ص ۱۴۴؛ ساروخانی، ۱۳۷۷، ص ۷۲۰؛ گسن، ۱۳۷۰، ص ۱۳۳).

امروزه نظام‌های گوناگون کنترل اجتماعی به پیشگیری از جرم رو آورده‌اند. و این راهبرد را، در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، یکی از اولویت‌های اساسی مقابله با آسیب‌های اجتماعی می‌دانند. بررسی‌های انجام شده در آموزه‌های اسلامی نیز نشان می‌دهند که این آموزه‌ها، پیشگیری را یک راهبرد اصولی برخورد با آسیب‌های اجتماعی می‌دانند؛ و آن را به‌عنوان یک راهبرد اساسی در نظام کنترل اجتماعی اسلامی مورد توجه قرار داده‌اند. و مقدم بر راهبرد کیفر و مجازات می‌دانند (خسروشاهی، ۱۳۸۶، ص ۶؛ میرخلیلی، ۱۳۸۵، ص ۱۵).

### روش تحقیق

بررسی اسنادی، روش تحقیق این پژوهش است و برای تحلیل یافته‌ها از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. تحلیل محتوا، خطوط کلی‌ای را برجسته می‌سازد که به شکلی پراکنده در مجموعه‌ای از متون نوشته یا نانوشته یا مانند آن درباره موضوع تحقیق و مقوله‌های تحلیل، وجود دارد.

و تحلیل محتوای کیفی به کشف، توصیف، تحلیل و تفسیر پیام‌های کیفی و پنهان متون مورد بررسی می‌پردازد. و به فنون شمارشی یا آماری و بررسی کمیت‌های حاکی از اندیشه‌ها عنایتی ندارد. سطح تحلیل، توصیف و رویکرد آن ترکیبی بوده است. این رویکرد، برای ورود در تحلیل، پرسش‌ها، مقوله‌ها و روابط بین آنها را به شکل قیاسی یا پیشینی و برحسب دانش موجود پیرامون موضوع، تدوین می‌کند (محسنی تبریزی و سلیمی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۹-۱۴۴). ابزار گردآوری اطلاعات نیز کتابخانه‌ای بوده است. در این تحقیق، واحد سنجش گزاره (قرآنی) بوده است. مقوله‌بندی، موضوعی و ناظر به محتوای این گزاره‌هاست. واحد کدگذاری، مضمون بوده است. این مضمون‌ها در فرازها و بخش‌های مرتبط از قرآن کریم جستجو شده‌اند. آیات و فرازهای قرآنی مرتبط با جستجوی واژه‌های کلیدی ناظر به مقوله‌ها، شناسایی و گزینش شده‌اند (رنجبر و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۲۴۳).

مسئله تحقیق، توصیف دیدگاه‌های اجتماعی نسبت‌پذیر به (قرآن) و در نهایت، تحلیل و تفسیر آن دیدگاه‌ها است. روایی و اعتبار داده‌ها، نمونه‌ها و تفسیر آنها را ویژگی‌های زیر در این تحقیق، تأمین کرده‌اند:

۱. حتی الامکان به نص و ظهور معتبر آیات فرازهای قرآنی و روایی بسنده کرده و همچنین کوشیده‌ایم ضوابط تفسیر متن در علوم اسلامی را رعایت کنیم. و به فهمی از مضمون‌های قرآنی برسیم که در این علوم معتبر است. در مواردی نیز به منظور توضیح بهتر و بیشتر برداشت‌ها به تفاسیر و دیدگاه‌های اندیشمندان اسلامی مراجعه کرده‌ایم.

۲. در گزینش مضمون‌های مرتبط به شناسایی مضمون‌های مخالف، مخصّص، مقید یا مکمل آنها عنایت داشته‌ایم.

### کدگذاری

در مراجعه به قرآن کریم، برای آگاهی از دیدگاه قرآن دربارهٔ هنجارها، ویژگی‌های هنجارها و هنجارگذار، مجموعه «آیات مرتبط با این عناوین»، استخراج و بررسی شد و در نهایت بیش از یکصد آیه شناسایی، مطالعه و کدگذاری شد و برای مجموع این مفاهیم عنوان گزینشی «حکیمانه بودن هنجارگذاری» انتخاب گردید. نتایج را می‌توان در مرحلهٔ کدگذاری به شرح ذیل تجزیه و تحلیل کرد:

### ۱. پذیرش هنجارگذار بودن خداوند

یکی از محورهای مهم در هنجارگذاری که بیشترین تأثیر در تبعیت اشخاص از هنجارها و پیشگیری از نقض هنجار و کجروی دارد، نوع تعامل میان هنجارگذار و آماج هنجار است. از دیدگاه آموزه‌های قرآن کریم، خداوند، تنها کسی است که اصالتاً صلاحیت هنجارگذاری برای کنش‌های انسان‌ها دارد. بعد از آن پیامبران خدا و در برخی موارد، انسان‌های دیگر نیز مجاز هستند در چارچوب‌های مشخص شده از طرف خداوند، هنجارگذاری کنند.<sup>۱</sup> قرآن کریم در آیات ذیل، به این موضوع اشاره دارد:

#### ۱-۱. اختصاص «حکم کردن» و «فرمان دادن» به خداوند

قرآن کریم «فرمان دادن» را که نوعی تعیین هنجار و قانون‌گذاری است که مختص پروردگار می‌داند: «فرمان جز برای خدا نیست. دستور داده که جز او را نپرستید. این است دینِ درست» (یوسف، ۴۰) و نیز می‌فرماید: فرمان از آن اوست (قصص، ۷۰ و ۸۷). و نیز می‌فرماید: «و هیچ مرد و زن مؤمنی را نرسد که چون خدا و فرستاده‌اش به کاری فرمان دهند، برای آنان در کارشان اختیاری باشد و هر کس خدا و فرستاده‌اش را نافرمانی کند قطعاً دچار گمراهی آشکاری گردیده است» (احزاب، ۳۶).

ادعای اسلام این است که برای تمام کنش‌های انسان‌ها دستورالعمل دارد؛ بنابراین لازم است قواعد کنش‌های انسان‌ها در تعالیم اسلامی به شکل جزئی یا ذیل قاعده کلی بیان شده باشد. آنچه که ذیل عناوین واجب و حرام در شرع مقدس مطرح شده است در واقع هنجارهای الزامی هستند که به شکل تفصیلی در منابع اسلامی بیان شده‌اند، اما تعیین قاعده کنش در حوزه منطقه الفراغ که دستورالعمل مشخص و تفصیلی درباره آن وارد نشده است، تابع قانون کلی «عدم مغایرت با شرع» است.

۱. علامه طباطبایی درباره اجازه داشتن سایر اشخاص صلاحیت‌دار، برای قانون‌گذاری می‌فرماید: با اینکه آیه ۴۰ سوره یوسف و ظاهر برخی آیات دلالت دارند بر اینکه حکم، تنها برای خدای سبحان است و کسی با او شریک نیست، در عین حال قرآن کریم، در پاره‌ای از موارد، حکم را و مخصوصاً «حکم تشریحی» را به غیر خداوند هم نسبت داده است، از آن جمله این چند مورد است: «يُحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ» (مانده، ۹۵) و «يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ» (ص، ۲۶) و درباره رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «وَ أَنْ احْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ» (مانده، ۴۹)؛ «فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ» (مانده، ۴۸)؛ «يُحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ» (مانده، ۴۴) و همچنین آیات دیگری که اگر ضمیمه شوند با آیات دسته اول، این نتیجه را می‌دهد که حکم به حق به‌طور استقلال و اولاً و بالذات، تنها از آن خدای سبحان است، و غیر او کسی مستقل در آن نیست، و اگر هم کسی دارای چنین مقامی باشد، خدای سبحان بر او ارزانی داشته، و او در مرتبه دوم است، و از همین جهت است که خدای تعالی خود را «أَحْكُمُ الْحَاكِمِينَ» و «خَيْرُ الْحَاكِمِينَ» نامیده و فرموده: «أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ» (تین، ۸) و نیز فرموده: «وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ» (اعراف، ۸۷) (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ج ۷، ص ۱۶۵-۱۶۶).

### ۱-۲. نهی از هنجارگذاری بدون اجازه خداوند

بخش دیگر از آیات، هنجارگذاری توسط انسان‌ها بدون اجازه خداوند را نفی می‌کنند: «بگو: به من خبر دهید، آنچه از روزی که خدا برای شما فرود آورده [چرا] بخشی از آن را حرام و [بخشی را] حلال گردانیده‌اید» بگو: «آیا خدا به شما اجازه داده یا بر خدا دروغ می‌بندید؟» (یونس، ۵۹). همچنین قرآن کریم تجاوزکنندگان از حدود الهی را ظالم معرفی می‌کند: ... و کسانی که از حدود [احکام] الهی تجاوز کنند، آنان همان ستمکارانند (بقره، ۲۲۹).

### ۱-۳. قضاوت کردن پیامبر ﷺ براساس احکام تعیین شده از طرف خداوند

قرآن کریم، پیامبر ﷺ را مأمور به قضاوت براساس احکام نازل شده از طرف خداوند می‌داند: «ما این کتاب را به حق بر تو نازل کردیم، تا میان مردم به [موجب] آنچه خدا به تو آموخته داوری کنی» (نساء، ۱۰۵)؛ و نیز می‌فرماید: «... و با آنان، کتاب [خود] را به حق فرو فرستاد، تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند داوری کند» (بقره، ۲۱۳). و نیز می‌فرماید: «و ما این کتاب [قرآن] را به حق به سوی تو فرو فرستادیم، ... پس میان آنان بر وفق آنچه خدا نازل کرده حکم کن، و از هواهایشان [با دور شدن] از حقی که به سوی تو آمده، پیروی مکن. برای هر یک از شما [امت‌ها] شریعت و راه روشنی قرار داده‌ایم» (مائده، ۴۸).

### ۱-۴. پذیرش داوری خداوند و نفی داوری تأیید نشده از طرف خداوند

قرآن کریم ضمن طرح استفهام انکاری، پذیرش داوری خداوند را لازم می‌داند: پس، آیا داوری جز خدا جویم؟ با اینکه اوست که این کتاب را به تفصیل به سوی شما نازل کرده است (انعام، ۱۱۴). همچنین قرآن کریم، انسان‌ها را از مراجعه به حاکم طاغوت برای قضاوت و رفع خصومت میان خود را منع کرده است: آیا ندیده‌ای کسانی را که می‌پندارند به آنچه به سوی تو نازل شده و [به] آنچه پیش از تو نازل گردیده، ایمان آورده‌اند [با این همه] می‌خواهند داوری میان خود را به سوی طاغوت ببرند، با آنکه قطعاً فرمان یافته‌اند که بدان کفر ورزند، و [لی] شیطان می‌خواهد آنان را به گمراهی دوری دراندازد (نساء، ۶۰).

### ۱-۵. تعیین حلال و حرام توسط پیامبر ﷺ

قرآن کریم، تعیین کردن موارد حلال و حرام (هنجارهای ممنوع‌کننده و مجازکننده رفتار) را یکی از رسالت‌های پیامبر ﷺ می‌داند و می‌فرماید: همانان که از این فرستاده - پیامبر درس نخوانده -



پیروی می‌کنند [همان پیامبری که] او برای آنان چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را برایشان حرام می‌گرداند» (اعراف، ۱۵۷).  
 همچنین خداوند پیامبر را در تصرف بر امور مؤمنان از خود آنها سزاوارتر می‌داند. «پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر [و نزدیک‌تر] است» (احزاب، ۶)؛ بنابراین آن حضرت با این اختیار وسیع، اختیار قانون‌گذاری و تعیین هنجار برای آنها را دارد.

#### ۱-۶. تعیین مستقیم و خاص برخی از هنجارها توسط خداوند

بخش دیگری از آیات قرآن کریم، اختصاص به تعیین هنجارهای مربوط به عبادات، معاملات، ارث و خانواده، و... توسط خداوند دارد. آیاتی از قبیل: و با زنانی که پدرانتان به ازدواج خود درآورده‌اند، نکاح نکنید مگر آنچه که پیشتر رخ داده است، چراکه آن، زشتکاری و [مایه] دشمنی، و بدراهی بوده است (نساء، ۲۲)؛ ... و به پیوندهای قبلی کافران متمسک نشوید [و پای‌بند نباشید] و آنچه را شما [برای زنان مرتد و فراری خود که به کفار پناهنده شده‌اند] خرج کرده‌اید، [از کافران] مطالبه کنید، و آنها هم باید آنچه را خرج کرده‌اند [از شما] مطالبه کنند. این حکم خداست [که] میان شما داوری می‌کند، و خدا دانای حکیم است (ممتحنه، ۱۰)؛ و اموالتان را میان خودتان به ناروا مخورید، و [به‌عنوان رشوه قسمتی از] آن را به قضات مدهید تا بخشی از اموال مردم را به گناه بخورید، در حالی که خودتان [هم خوب] می‌دانید (بقره، ۱۸۸)؛ ... [خداوند] تنها مردار و خون و گوشت خوک و آنچه را که [هنگام سر بریدن] نام غیر خدا بر آن برده شده، بر شما حرام گردانیده است (بقره، ۱۷۳).

#### ۱-۷. لزوم ارجاع موارد اختلافی به خداوند و پیامبر ﷺ

دسته دیگری از آیات قرآن، انسان‌ها را ملزم به ارجاع موارد اختلافی به خداوند و پیامبر ﷺ و واگذاری حق کنترل کنش خویش، به آنها می‌کند: پس هرگاه در امری [دینی] اختلاف نظر یافتید، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، آن را به [کتاب] خدا و [سنت] پیامبر [او] عرضه بدارید، این بهتر و نیک‌فرجام‌تر است (نساء، ۵۹).

#### ۱-۸. لزوم اطاعت از خداوند و پیامبر ﷺ

قرآن کریم در آیات متعددی به لزوم تبعیت از خداوند و پیامبر اشاره دارد و اطاعت از پیامبر را به مانند اطاعت از خداوند معرفی می‌کند. اطاعت هم شامل مقام اجرای احکام می‌باشد و هم پذیرش احکام که همان هنجارگذاری است: «و خدا را فرمان برید و پیامبر [او] را اطاعت نمایید،

و اگر روی بگردانید، بر پیامبر ما فقط پیام‌رسانی آشکار است» (تغابن، ۱۲). و نیز می‌فرماید: بگو: «خدا و پیامبر را اطاعت کنید. پس اگر پشت نمودید، [بدانید که] بر عهده اوست آنچه تکلیف شده و بر عهده شماست آنچه موظف هستید. و اگر اطاعتش کنید راه خواهید یافت، و بر فرستاده [خدا] جز ابلاغ آشکار [مأموریتی] نیست (نور، ۵۴). و نیز می‌فرماید: هر کس از پیامبر فرمان برد، در حقیقت، خدا را فرمان برده و هر کس رویگردان شود، ما تو را بر ایشان نگهبان فرستاده‌ایم (نساء، ۸۰). و نیز می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید» (نساء، ۵۹) و نیز می‌فرماید: آنچه را از جانب پروردگارتان به سوی شما فرو فرستاده شده است، پیروی کنید و جز او از معبودان [دیگر] پیروی نکنید (اعراف، ۳). و نیز می‌فرماید: پیش از آنکه روزی فرارسد که آن را از جانب خدا برگزستی نباشد، پروردگارتان را اجابت کنید (شوری، ۴۷).

همچنین سرانجام تبعیت‌کنندگان از فرمان خداوند را کامیابی و رستگاری می‌داند: «و کسی که خدا و فرستاده او را فرمان برد، و از خدا بترسد و از او پروا کند آن‌اند که خود کامیابند» (نور، ۵۲). و نیز می‌فرماید: گفتار مؤمنان - وقتی به سوی خدا و پیامبرش خوانده شوند تا میانشان داوری کند - تنها این است که می‌گویند: «شنیدیم و اطاعت کردیم؛ این‌اند که رستگارند» (نور، ۵۱). همچنین تبعیت از پیامبر ﷺ، سبب آمرزش گناهان و محبوبیت نزد پروردگار می‌شود: بگو: «اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد و گناهان شما را بر شما ببخشد، و خداوند آمرزنده مهربان است» (آل عمران، ۳۱).

در مقابل، قرآن کریم، تبعیت‌کنندگان از غیر خداوند را توبیخ می‌کند: و چون به آنان گفته شود: «آنچه را که خدا نازل کرده پیروی کنید»، می‌گویند: «[نه!] بلکه آنچه که پدرانمان را بر آن یافته‌ایم پیروی می‌کنیم» آیا هر چند شیطان آنان را به سوی عذاب سوزان فرا خواند؟ (لقمان، ۲۱). و نیز می‌فرماید: خطاب کردن پیامبر را در میان خود، مانند خطاب کردن بعضی از خودتان به بعضی [دیگر] قرار مدهید. خدا می‌داند [چه] کسانی از شما دزدانه از نزد او می‌گیرند. پس کسانی که از فرمان او تمرد می‌کنند بترسند که مبادا بلائی بدیشان رسد یا به عذابی دردناک گرفتار شوند» (نور، ۶۳).

از مجموع آیات فوق استفاده می‌شود که هنجارگذاری مخصوص خداوند است و دیگران نیز می‌توانند با اجازه او و داشتن شرایط و صلاحیت‌های لازم، هنجارهای مورد نیاز جامعه را تعیین کنند. اینکه انسان بفهمد و بپذیرد که قوانین و هنجارهای مورد نیاز او، از طرف خداوندی عالم و حکیم و آگاه به مصالح او وضع شده است، تعهد درونی او نسبت به این هنجارها بیشتر می‌شود و سعی در تبعیت این هنجارها می‌کند و در نتیجه به پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی - که نوعی

نقض هنجار است - منجر می‌شود. البته بحث تفصیلی این موضوع نیازمند تحقیقی مستقل است که باید براساس مجموع آیات و روایات انجام شود.

## ۲. تعیین هنجارهای مورد نیاز از طرف خداوند

همان‌طور که در مباحث مربوط به چارچوب مفهومی ذکر شد، انسان‌ها برای تنظیم کنش‌های اجتماعی خود نیازمند قاعده و هنجار هستند؛ بنابراین اگر پذیرفتیم که قاعده رفتار باید توسط خداوند و یا در قالب چارچوب‌های معین شده از طرف او، وضع شود، ضرورت دارد که قرآن، سازوکاری (مکانیسم) را تعبیه کند که انسان‌ها با استناد به معارف الهی، بتوانند به همه هنجارهای مورد نیاز خود، دسترسی داشته باشند و وظیفه خود را در مقام عمل تشخیص دهند؛ زیرا در صورت عدم تعیین هنجار، انسان‌ها در مقام عمل با مشکل مواجه خواهند شد. قرآن کریم، برخی هنجارهای مورد نیاز انسان‌ها را به شکل جزئی بیان کرده است و برخی دیگر را با بیان کلی مطرح می‌کند که با تفسیر و تبیینی که پیامبر ﷺ و معصومان از موارد کلی دارند، سایر هنجارها نیز از آن استفاده می‌شود. به همین سبب قرآن کریم، دین اسلام را دینی کامل معرفی می‌کند: «امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم، و اسلام را برای شما [به‌عنوان] آیینی برگزیدم» (مائده، ۳).<sup>۱</sup> همچنین در این باره می‌فرماید: «... ما هیچ چیزی را در کتاب [لوح محفوظ] فروگذار نکرده‌ایم سپس [همه] به سوی پروردگارتان محشور خواهند گردید» (انعام، ۳۸).<sup>۲</sup>

بر این اساس می‌توان با استفاده از قرآن و احادیث پیامبر ﷺ و اهل بیت (علیهم‌السلام)، همه هنجارهای مورد نیاز جامعه اسلامی در حوزه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را استخراج کرد و در اختیار جامعه قرار داد.

۱. امام رضا (علیه‌السلام) در این باره می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ يَقْبِضْ نَبِيَّهُ ﷺ حَتَّىٰ أَكْمَلَ لَهُ الدِّينَ وَ أُنزَلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنَ فِيهِ بَيِّنَاتٌ كُلُّ شَيْءٍ وَ بَيَّنَّ فِيهِ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ وَ الْحُدُودَ وَ الْأَحْكَامَ وَ جَمِيعَ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ النَّاسُ كَمَلًا ...؛ خدای عز و جل جان پیامبر خود ﷺ را نگرفت مگر آنگاه که دین را برای او تمام کرد، و قرآن را بر او فرو فرستاد، که در آن بیان هر چیز است؛ در آن حلال و حرام و حدود و احکام و همه آنچه را که مردمان به آن نیاز دارند به تمامی واضح و آشکار ساخت، و خود گفت: «ما قَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ؛ در کتاب از هیچ چیز فروگذار نکردیم» (کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۹۹).

خدا در قرآن بیان هر چیز را آورده است، و به خدای سوگند، چیزی از آنچه بندگان به آن نیاز دارند فرو نگذاشته، مگر اینکه آن را برای مردمان بیان کرده است (الکافی، ج ۱، ص ۱۹۹).

۲. امام باقر (علیه‌السلام) می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَىٰ لَمْ يَدْعُ شَيْئًا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْأُمَّةُ إِلَّا أَنْزَلَهُ فِي كِتَابِهِ وَ بَيَّنَّهُ لِرَسُولِهِ ﷺ وَ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ حُدًّا وَ جَعَلَ عَلَيْهِ دَلِيلًا يَدُلُّ عَلَيْهِ وَ جَعَلَ عَلَيَّ مِنْ تَعَدَىٰ ذَلِكَ الْحَدِّ حُدًّا» (الکافی، ج ۱، ص ۶۰). امام باقر (علیه‌السلام) در این روایت می‌فرماید که خداوند تعالی هم هنجارهای مورد نیاز مردم و هم ضمانت‌های اجرایی این هنجارها را بیان کرده است.

### ۳. واضح بودن و ابهام نداشتن هنجارها

خداوند، قرآن کریم را کتابی که آیات آن به روشنی بیان شده است، معرفی می‌کند: کتابی است که آیات آن، به روشنی بیان شده. قرآنی است به زبان عربی برای مردمی که می‌دانند (فصلت، ۴۱). همچنین آیات قرآن به عنوان آیات روشن و روشنگر معرفی شده‌اند: و [ما] به او شعر نیاموختیم و درخور وی نیست این [سخن] جز اندرز و قرآنی روشن نیست (یس، ۶۹). و نیز می‌فرماید: قطعاً آیاتی روشنگر فرود آورده‌ایم، و خدا هر که را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند (نور، ۴۶). و نیز می‌فرماید که به تفصیل موارد حرام برای انسان‌ها بیان شده است: ...؛ با اینکه [خدا] آنچه را بر شما حرام کرده - جز آنچه بدان ناچار شده‌اید- برای شما به تفصیل بیان نموده است (انعام، ۱۱۹). و در جای دیگر می‌فرماید: و شما را چه شده است که از آنچه نام خدا بر آن برده شده است نمی‌خورید؟ با اینکه [خدا] آنچه را بر شما حرام کرده - برای شما به تفصیل بیان نموده است (انعام، ۱۱۹).

در موارد خاص نیز قرآن با تفصیل کامل تمام جزئیات مربوط به هنجارها را بیان کرده است. یکی از این موارد، ارث است: از تو [درباره کلاله] فتوا می‌طلبند بگو: «خدا درباره کلاله فتوا می‌دهد: اگر مردی بمیرد و فرزندی نداشته باشد، و خواهری داشته باشد، نصف میراث از آن اوست. و آن [مرد نیز] از او ارث می‌برد، اگر برای او [خواهر] فرزندی نباشد. پس اگر [ورثه فقط] دو خواهر باشند، دو سوم میراث برای آن دو است، و اگر [چند] خواهر و برادرند، پس نصیب مرد، مانند نصیب دو زن است. خدا برای شما توضیح می‌دهد تا مبدا گمراه شوید، و خداوند به هر چیزی داناست (نساء، ۱۷۶).

همچنین قرآن کریم، وظیفه پیامبر ﷺ را رساندن پیام آشکار می‌داند: بدانید که بر عهده پیامبر ما، فقط رساندن [پیام] آشکار است (مانده، ۹۲).

### ۴. مقترن بودن هنجارها

خصیصه «مقترن بودن» تأثیری شایان توجه بر کیفیت الزام‌آوری هنجارها و ابعاد کمی و کیفی پای‌بند ماندن اشخاص بدانها دارد. هنجاری «مقترن» است که افرادی که مشمول بایدها و نبایدهای آن هستند، خود از پیروی از آن هنجار منتفع شوند، بنابراین در مواردی که هنجارها غالباً مقترنند، پای‌بندی اشخاص به آنها عمدتاً به سبب ارزشمندی خود هنجار و منافع ناشی از رعایت آن است. در چنین مواردی ضمانت اجرای کنترل رفتار، تعهد درونی و مشترک کنشگران به رعایت هنجارها و ترس و پرهیز از احساس گناه، در صورت نقض آنهاست. در مقابل، در موارد نامقترن بودن هنجارها، چون معمولاً صاحبان قدرت، آنها را وضع می‌کنند و در اجراشان ذی‌نفع‌اند،

برعکس، افراد تحت سلطه، آماج هنجارند، بی‌آنکه از پای‌بند ماندن به آنها نفعی ببرند (سلیمی و داوری، ۱۳۹۱، ص ۱۶۵-۱۶۶).

قرآن کریم که با بیان‌های مختلف درصدد القای این مطلب است که خداوند قادر مطلق براساس علم، حکمت، رحمت و بی‌نیازی از مخلوقات، منافع حاصل از تبعیت از هنجارها را برای تبعیت‌کنندگان از هنجار، و ضرر تخلف از هنجار نیز برای متخلف از هنجار قرار داده است.<sup>۱</sup>

قرآن کریم در یک دسته از آیات ضمن اعلام غنای ذاتی خداوند و مالکیت او بر زمین و آسمان، انسان‌ها را نیازمند خداوند و او را بی‌نیاز از مخلوقات معرفی می‌کند: ای مردم، شما به خدا نیازمندید، و خداست که بی‌نیاز ستوده است (فاطر، ۱۵)؛ و اگر کفر ورزید [چه باک؟ که] آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است از آن خداست، و خدا بی‌نیاز ستوده [صفات] است (نساء، ۱۳۱). در این آیات خداوند اعلام می‌کند که نیازی ندارد از طریق تبعیت انسان‌ها از هنجارهای تعیین شده به آن برسد؛ پس می‌توان نتیجه گرفت که غرض از جعل هنجار، منافی است که به تبعیت‌کنندگان می‌رسد.

دسته دوم از آیات با بیان اینکه هیچ‌کسی قدرت ضرر زدن به خداوند را ندارد درصدد بیان این مطلب است که با تخلف از هنجارها ضرری متوجه خداوند نخواهد شد. پس اگر ضرری در تخلف از هنجار باشد، متوجه هنجارشکن خواهد بود. خداوند کریم در این باره می‌فرماید: و کسانی که در کفر می‌کوشند، تو را اندوهگین نسازند که آنان هرگز به خدا هیچ زیانی نمی‌رسانند (آل‌عمران، ۱۷۶)؛ و نیز می‌فرماید: ... و هر کس از عقیده خود بازگردد، هرگز هیچ زیانی به خدا نمی‌رساند (آل‌عمران، ۱۴۴).

دسته سوم از آیات متذکر می‌شوند که منافع حاصل از تبعیت از هنجار و ضرر تخلف از آنها، متوجه تبعیت‌کنندگان و هنجارشکنان خواهد بود: آنچه [از خوبی] به دست آورده به سود او، و آنچه [از بدی] به دست آورده به زیان اوست (بقره، ۲۸۶). و هر مالی که انفاق کنید، به سود خود شماست، و [لی] جز برای طلب خشنودی خدا انفاق مکنید، و هر مالی را که انفاق کنید [پاداش] آن به‌طور کامل به شما داده خواهد شد و ستمی بر شما نخواهد رفت (بقره، ۲۷۲). ای مردم، آن پیامبر [موعود]، حقیقت را از سوی پروردگارتان برای شما آورده است. پس ایمان بیاورید که برای شما بهتر است (نساء، ۱۷۰). بر شما کارزار واجب شده است، در حالی که برای شما ناگوار است. و بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و آن برای شما خوب است، و بسا چیزی را دوست می‌دارید و آن برای شما بد است، و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید (بقره، ۲۱۶)؛ و هر که بکوشد، تنها برای خود می‌کوشد، زیرا خدا از جهانیان سخت بی‌نیاز است (عنکبوت، ۶). و نیز می‌فرماید: و به راستی،

۱. امام علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: فَإِنَّ اللَّهَ سُبحَانَهُ خَلَقَ الْخَلْقَ حِينَ خَلَقَهُمْ غَنِيًّا عَنِ طَاعَتِهِمْ آمِنًا مِنْ مَعْصِيَتِهِمْ لِأَنَّهُ لَا تَضُرُّهُ مَعْصِيَةٌ مِنْ عِبَادِهِ وَلَا تَنْفَعُهُ طَاعَةٌ مِنْ أَطَاعِهِ؛ خداوند منزّه و والا، انسان‌ها را آفرید در حالی که از اطاعتشان بی‌نیاز و از معصیتشان ایمن بود، زیرا نه عصیان گنه‌کاران به او زیان می‌رساند و نه اطاعت اطاعت‌کنندگان به او نفعی می‌بخشد (نهج‌البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۱۹۳).

لقمان را حکمت دادیم که: خدا را سپاس بگزار و هر که سپاس بگزارد، تنها برای خود سپاس می‌گزارد و هر کس کفران کند، در حقیقت، خدا بی‌نیاز ستوده است (لقمان، ۱۲). می‌توان براساس آیات بالا ادعا کرد که همه هنجارهای تعیین شده از طرف خداوند برای انسان‌ها از نوع «مقترن» هستند؛ یعنی براساس منافع دنیوی و یا اخروی انسان‌ها وضع شده‌اند.

#### ۵. جعل نکردن هنجارهای شکننده

یکی از موارد قابل استفاده از آموزه‌های قرآنی در هنجارگذاری، وضع نکردن هنجارهای شکننده‌ای است که با توجه به ویژگی‌ها و نیازهای فطری انسان‌ها امکان نقض آنها زیاد است. قرآن کریم در آیه ۱۷۸ سوره بقره، علت عدم جعل ممنوعیت همبستر شدن مردان با همسران خود در شب‌های ماه مبارک رمضان را، امکان شکنندگی این هنجار با توجه به نیازهای فطری اشخاص می‌داند، در شب‌های روزه، همخوابگی با زنان بر شما حلال گردیده است. آنان برای شما لباسی هستند و شما برای آنان لباسی هستید. خدا می‌داند که شما با خودتان ناراستی می‌کردید، پس توبه شما را پذیرفت و از شما درگذشت. پس، اکنون [در شب‌های ماه رمضان می‌توانید] با آنان همخوابگی کنید، و آنچه را خدا برای شما مقرر داشته طلب کنید (بقره، ۱۸۷).

#### ۶. رعایت راحتی اشخاص در جعل هنجار

قرآن کریم در موارد متعدد متذکر می‌شود که هنجارهای جعل شده به گونه‌ای هستند که اجرای آن برای انسان‌ها همراه با عسر و سختی نیست بلکه به راحتی قابل انجام است: «خداوند برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما دشواری نمی‌خواهد (بقره، ۱۸۵). و نیز می‌فرماید: «در دین بر شما سختی قرار نداده است» (حج، ۷۸).<sup>۱</sup> بدین ترتیب، هنجارگذاری، متناسب با توان متعارف اعضای جامعه انجام گرفته است.

#### ۷. معیار عقلی داشتن هنجارگذاری (رعایت مصالح و مفاسد در هنجارگذاری)

هنجارگذاری از دیدگاه قرآن مبتنی بر معیار عقلی است؛ به این معنا که ممنوع شدن برخی از رفتارها براساس مفاسد واقعی موجود آن رفتارها و الزامی بودن و یا مجاز بودن برخی دیگر از رفتارها نیز به سبب فساد موجود در آن موارد است. برای نمونه ارتکاب مصادیق ظلم و اعمال ناپسند در قرآن ممنوع شده است. چیزی که عقل انسان‌ها نیز آن را بد می‌داند و انسان‌ها را از ارتکاب آن منع می‌کند: «پروردگار من فقط زشتکاری‌ها را -چه آشکارش [باشد] و چه پنهان- و

۱. دین اسلام، دین سخت‌گیری نیست (رضایی اصفهانی، تفسیر قرآن مجید (مهر جوان)، ص ۶۸۲).

گناه و ستم ناحق را حرام گردانیده است و [نیز] اینکه چیزی را شریک خدا سازید که دلیلی بر [حقانیت] آن نازل نکرده و اینکه چیزی را که نمی‌دانید به خدا نسبت دهید» (اعراف، ۳۳).<sup>۱</sup>

امام باقر (علیه السلام) در پاسخ به پرسش از علت حرام بودن شراب، مردار، گوشت خوک و خون، می‌فرماید: به درستی که خداوند تعالی به جهت رغبت شخصی یا به خاطر بی‌توجهی به محرمات، این موارد را بر بندگان حرام و سایر موارد را حلال نکرد؛ بلکه چون خالق انسان‌هاست، موارد مفید برای بدن آنها را می‌شناخت، پس این موارد را برای آنها حلال کرد و موارد مضر برای آنان را نیز می‌شناخت، پس آنها را از استفاده از آن نهی کرد (حرر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۲؛ ابن بابویه، أمالی الصدوق، ص ۶۶۵-۶۶۶؛ ابن بابویه، علل الشرایع، ج ۲، ص ۱۶۹؛ محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۹۱).

همچنین قرآن کریم، در آیه ۲۴ سوره حدید، هدف نهایی از ارسال پیامبران و کتاب را اقامه عدل در جامعه می‌داند: به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند، و آهن را که در آن برای مردم خطری سخت و سودهایی است، پدید آوردیم، تا خدا معلوم بدارد چه کسی در نهان، او و پیامبرانش را یاری می‌کند. آری، خدا نیرومند شکست‌ناپذیر است (حدید، ۲۴).

از این آیه استفاده می‌شود که هنجارگذاری باید در جهت اجرای عدالت در جامعه باشد که این هم براساس حکم عقل است.

#### ۸. ممنوعیت جعل هنجار برای ویژه‌خواری

قرآن کریم نوشتن دستورالعمل توسط گروه‌های خاص برای رسیدن به منافع شخصی را نفی می‌کند و به شدت این گروه را توبیخ می‌کند: پس وای بر کسانی که کتاب [تحریف شده‌ای] با دست‌های خود می‌نویسند، سپس می‌گویند: «این از جانب خداست»، تا بدان بهای ناچیزی به دست آرند پس وای بر ایشان از آنچه دست‌هایشان نوشته، و وای بر ایشان از آنچه [از این راه] به دست می‌آورند (بقره، ۷۹).

و نیز می‌فرماید: و برای آنچه زبان شما به دروغ می‌پردازد، مگویند: «این حلال است و آن حرام» تا بر خدا دروغ بندید، زیرا کسانی که بر خدا دروغ می‌بندند رستگار نمی‌شوند (نحل، ۱۱۶).<sup>۲</sup>

۱. محرمات را خدا مشخص کرده و برشمرده است (تا بدانید و از آنها دروری گزینید) (رضایی اصفهانی، تفسیر قرآن مجید (مهر جوان)، ص ۳۰۷).

۲. قانون‌گذاری و حرام و حلال کردن چیزها حق خداست. اگر کسی متخصص و مجتهد در دین باشد، می‌تواند احکام و قوانین الهی را از قرآن، سنت و عقل برداشت و به مردم اعلام کند. ولی حق ندارد نظر شخصی خود را به جای قانون حلال و حرام الهی اعلام کند. قانون‌گذاری و بدعت در دین نکنید که جایز نیست (رضایی اصفهانی، تفسیر قرآن مجید (مهر جوان)، ص ۵۶۰).

### ۹. محدود بودن هنجارهای منع‌کننده در برابر هنجارهای مجازکننده رفتار

قرآن کریم درباره هنجار مرتبط با غذاهای مورد استفاده مردم، موارد ممنوع‌کننده استفاده از غذاها را محدودتر از موارد مجازکننده رفتار می‌داند؛ به همین سبب تعداد محرمات در قرآن شمرده شده و مشخص است اما دامنه موارد حلال و مجاز را آزاد گذاشته است: بگو: «در آنچه به من وحی شده است، بر خورنده‌ای که آن را می‌خورد هیچ حرامی نمی‌یابم، مگر آنکه مردار یا خون ریخته یا گوشت خوک باشد که اینها همه پلیدند. یا [قربانی‌ای که] از روی نافرمانی، [به هنگام ذبح] نام غیر خدا بر آن برده شده باشد. پس کسی که بدون سرکشی و زیاده‌خواهی [به خوردن آنها] ناچار گردد، قطعاً پروردگار تو آمرزنده مهربان است (انعام، ۱۴۵).<sup>۱</sup> و نیز می‌فرماید: ای مردم، از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه را بخورید (بقره، ۱۶۸).

### ۱۰. تحریف نکردن و تغییر ندادن هنجارهای مبتنی بر حق

یکی از مواردی که قرآن تذکر می‌دهد تحریف هنجارهای توسط گروهی خاص است. قرآن کریم این گروه را ظالم معرفی کرده و به شدت توبیخ می‌کند: پس، کسانی از آنان که ستم کردند، سخنی را که به ایشان گفته شده بود به سخن دیگری تبدیل کردند. پس به سزای آنکه ستم می‌ورزیدند، عذابی از آسمان بر آنان فرو فرستادیم (اعراف، ۱۶۲). و نیز می‌فرماید: و برای آنچه زبان شما به دروغ می‌پردازد، مگویید: «این حلال است و آن حرام» تا بر خدا دروغ بندید، زیرا کسانی که بر خدا دروغ می‌بندند رستگار نمی‌شوند (نحل، ۱۱۶).

و [یاد کن] هنگامی را که خداوند از کسانی که به آنان کتاب داده شده، پیمان گرفت که حتماً باید آن را [به وضوح] برای مردم بیان نمایند و کتمانش نکنید. پس، آن [عهد] را پشت سر خود انداختند و در برابر آن، بهایی ناچیز به دست آوردند، و چه بد معامله‌ای کردند (آل عمران، ۱۸۷).

به همین سبب یکی از وظایفی که اشخاص آماج هنجار دارند این است که هنجارهای مبتنی بر حق را که خداوند بیان کرده است تغییر ندهند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: و حق را به باطل درنیامیزید، و حقیقت را - با آنکه خود می‌دانید - کتمان نکنید (بقره، ۴۲). یکی از مصادیق حق نیز هنجارهای تعیین شده از طرف خداوند است که نباید کتمان و یا به باطل مخلوط شود.

۱. اصل، حلال بودن غذاهاست مگر آنکه دلیلی بر حرمت آن بیاید. قانون اهم و مهم را رعایت کنید؛ حفظ جان انسان مهم‌تر از حکم حرمت مردار و خوک است (رضایی اصفهانی، ص ۲۹۴).



### ۱۱. معافیت نقض هنجارهای کم‌اهمیت در برابر نقض نکردن هنجارهای مهم

یکی از مواردی که از آیات قرآن کریم دریافت می‌شود این است که اگر اشخاص آماج هنجار، هنجارهای با اهمیت از نظر قرآن را نقض نکنند در برابر نقض هنجارهای کم‌اهمیت، مجازات نمی‌شوند. قرآن کریم در این باره در آیه ۳۱ سوره نساء می‌فرماید: «اگر از گناهان بزرگی که از آن [ها] نهی شده‌اید دوری گزینید، بدی‌های شما را از شما می‌زداییم، و شما را در جایگاهی ارجمند درمی‌آوریم» (نساء، ۳۱).

### ۱۲. تسهیل‌کننده بودن هنجار اجتماعی

در هنجارگذاری از دیدگاه قرآن به‌گونه‌ای است که، علاوه بر توان خود شخص در اجرای هنجار مورد توجه است، در اجرای تعهدات افراد دیگر نسبت به انسان‌ها که دارای حقی هستند نیز باید توان مالی طرف مقابل رعایت شود و هنجارگذاری باید در جهت تسهیل روابط میان اشخاص باشد. برای نمونه در مورد نوع تعامل با بدهکار هرچند حق شخص است که بدهکاری خود را مطالبه کند، اما قرآن تصریح دارد که اگر بدهکار توانایی پرداخت نداشته باشد، طلبکار به او مهلت پرداخت بدهد و یا از تمام بدهکاری خود گذشت کند: و اگر [بدهکاران] تنگدست باشند، پس تا [هنگام] گشایش، مهلتی [به او دهید] و [اگر به راستی قدرت پرداخت ندارد،] بخشیدن آن برای شما بهتر است - اگر بدانید (بقره، ۲۸۰). این نوع هنجارگذاری به نوعی تسهیل برای افراد ناتوان مالی از پرداخت قرض است. تشویق ذی‌حق برای گذشت کردن از مجرمی که قاتل عمد است.

### ۱۳. بهنجار نشدن هنجارشکنی به جهت کثرت متخلفان از آن هنجار

یکی از مواردی که در قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته است این است که در مرحله هنجارگذاری و تعیین قانون ملاک حق است و نه نظر اکثریت عددی جامعه؛ به همین سبب اگر اکثریت جامعه از تبعیت از هنجاری سرپیچی کردند و آن را نقض نمودند دلیلی بر بهنجار شدن آن کجروی نمی‌شود. قرآن کریم در آیه ۱۱۶ سوره انعام می‌فرماید: «و اگر از بیشتر کسانی که در [این سر] زمین می‌باشند پیروی کنی، تو را از راه خدا گمراه می‌کنند. آنان جز از گمان [خود] پیروی نمی‌کنند و جز به حدس و تخمین نمی‌پردازند» (انعام، ۱۱۶).

علت عدم تبعیت از اکثریت نیز آن است که این نظر چون مبتنی بر حدس و گمان است و مبتنی بر واقعیت نیست نباید از آن تبعیت شود. بنابراین نظر اکثریت که فهم درستی از ملاک هنجارگذاری ندارد، نمی‌تواند مستند تغییر هنجارهای تعیین شده از طرف خداوند باشد. ملاک حقانیت، راه خداست نه اکثریت عددی (رضایی اصفهانی، همان، ص ۲۸۴).

### ۱۵. جواز نقض هنجار برای مصلحت مهم‌تر

از آنجا که هنجارگذار و تعیین هنجار برای مصالح مردم است اگر در مواردی مصلحت مهم‌تری از مصلحتی که هنجار برای آن وضع شده است، پدید آید، قرآن کریم برای کسانی که تشخیص این مصلحت مهم‌تر را می‌دهند، نقض هنجار را درست می‌داند و این نوع از تخلف را هنجارشکنی و کجروی نمی‌داند. قرآن کریم، سوراخ کردن کشتی توسط حضرت خضر علیه السلام که نوعی هنجارشکنی بود با توجه به مصلحت موردی این تخلف، هنجارشکنی نمی‌داند و علت آن را مصلحت مهم‌تر از سوراخ کردن کشتی، یعنی محفوظ ماندن کشتی از مصادره شدن توسط حاکم ظالم معرفی می‌کند: «اما کشتی، از آن بینویانی بود که در دریا کار می‌کردند، خواستم آن را معیوب کنم، [چراکه] پیشاپیش آنان پادشاهی بود که هر کشتی [درستی] را به زور می‌گرفت» (کهف، ۷۹).

### ۱۶. زمینه‌سازی برای پذیرش هنجارها

یکی از مواردی که قرآن کریم درصدد بیان آن است که هنجارهای تعیین شده از طرف خداوند مبتنی بر حق هستند و از طرف خداوند برای انسان‌ها بیان شده‌اند و پیامبر از طرف خودش این هنجارها را بیان نکرده است. قرآن کریم با بیان اینکه روح القدس این کتاب را بر پیامبر نازل کرده است، حقانیت خود را ثابت می‌کند: بگو: «آن را روح القدس از طرف پروردگارت به حق فرود آورده، تا کسانی را که ایمان آورده‌اند استوار گرداند، و برای مسلمانان هدایت و بشارتی است» (نحل، ۱۰۲).<sup>۱</sup>

و همچنین برای مقبولیت پیامبران خود در میان مردم برای آنان معجزاتی قرار داده است: و [او را به‌عنوان] پیامبری به سوی بنی اسرائیل [می‌فرستد، که او به آنان می‌گوید: «در حقیقت، من از جانب پروردگارتان برایتان معجزه‌ای آورده‌ام: من ... به اذن خدا نابینای مادرزاد و پسر را بهبود می‌بخشم و مردگان را زنده می‌گردانم و... مسلماً در این [معجزات]، برای شما - اگر مؤمن باشید - عبرت است (آل عمران، ۴۹).<sup>۲</sup> و نیز درباره قرآن که معجزه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است می‌فرماید: و اگر در آنچه بر بنده خود نازل کرده‌ایم شک دارید، پس - اگر راست می‌گویید - سوره‌ای مانند آن بیاورید و گواهان خود را - غیر خدا - فراخوانید (بقره، ۱۶۸).

بدین ترتیب با این بیان مقبولیت بیان‌کننده هنجار را تثبیت می‌کند. و نیز در بیانی صریح از قول پیامبر اسلام می‌فرماید که این دستورها را از طرف خداوند آورده است: و چون آیات روشن ما بر آنان خوانده شود، آنان که به دیدار ما امید ندارند می‌گویند: «قرآن دیگری جز این بیاور، یا آن را

۱. آورنده قرآن، روحی پاک است (که دروغگو و خطاکار نیست) (رضایی اصفهانی، ص ۵۵۶).

۲. مؤمنان، معجزات پیامبران را نشانه (های حقانیت آنان) بدانید (رضایی اصفهانی، ص ۱۱۱).

عوض کن». بگو: «مرا نرسد که آن را از پیش خود عوض کنم. جز آنچه را که به من وحی می‌شود پیروی نمی‌کنم. اگر پروردگارم را نافرمانی کنم، از عذاب روزی بزرگ می‌ترسم» (یونس، ۱۵).<sup>۱</sup> به همین جهت خداوند در قرآن کریم می‌فرماید، پیامبر نیز حق ندارد چیزی را به ما نسبت دهد که ما به او نگفته باشیم: و اگر [او] پاره‌ای گفته‌ها بر ما بسته بود، دست راستش را سخت می‌گرفتم، سپس رگ قلبش را پاره می‌کردیم، و هیچ یک از شما مانع از [عذاب] او نمی‌شد (حاقه، ۴۴-۴۷). و نیز می‌فرماید: و کسانی که کتاب [آسمانی] بدیشان داده‌ایم می‌دانند که آن از جانب پروردگارت به حق فرو فرستاده شده است. پس تو از تردیدکنندگان مباش (انعام، ۱۱۴). و نیز می‌فرماید: و این [قرآن]، بی‌شبهه، حقیقتی یقینی است (حاقه، ۵۱).

**۱۷. رعایت منافع واقعی اشخاص در جعل هنجار و عدم توجه به تمایلات شخصی آنان**  
قرآن کریم منافع واقعی دنیوی و اخروی انسان‌ها را در نظر می‌گیرد و احکامی را برای آنان قرار می‌دهد. برای مثال جعل هنجار و جوب برای جهاد برای مسلمانان هرچند با تمایلات شخصی و راحت‌طلبی انسان‌ها تناسب ندارد و افراد علاقه دارند که چنین هنجار الزامی از طرف خداوند وجود نداشته باشد ولی خداوند می‌فرماید دوست داشتن یا تنفر داشتن شخصی شما تأثیری در جعل هنجار نداشته بلکه خوبی آن رفتار، معیار الزامی یا غیر الزامی شدن هنجار برای آن رفتار می‌باشد. و در نهایت جهاد را به‌عنوان یک هنجار الزامی معرفی می‌کند: بر شما کارزار واجب شده است، در حالی که برای شما ناگوار است. و بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و آن برای شما خوب است، و بسا چیزی را دوست می‌دارید و آن برای شما بد است و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید (بقره، ۲۱۶).

#### ۱۸. انعطاف در هنجارگذاری و اجرای هنجار

انعطاف در اجرای هنجار یکی از موارد تسهیل‌کننده تبعیت از هنجارهاست. قرآن کریم در موارد مختلفی تخلف از هنجارها را مجاز شمرده است. این موارد عبارتند از:  
معاف از مجازات بودن تخلف از هنجار در موارد اضطرار: در آیات متعدد در موارد اضطرار، تخلف از هنجار مجاز شمرده شده است: [خداوند] تنها مردار و خون و گوشت خوک و آنچه را که [هنگام سر بریدن] نام غیر خدا بر آن برده شده، بر شما حرام گردانیده است. [ولی] کسی که [برای حفظ جان خود به خوردن آنها] ناچار شود، در صورتی که ستمگر و متجاوز نباشد بر او گناهی نیست، زیرا خدا آمرزنده و مهربان است (انعام، ۱۴۵).

۱. این به مصونیت وحی و معصوم بودن پیامبر ﷺ اشاره دارد. قرآن از تغییر و تعویض مصون است (رضایی اصفهانی، ص ۴۱۹).

رعایت توانایی افراد در اجرای هنجار: یکی از شرایط مهم در قطعیت هنجار برای اشخاص، توانایی انجام دادن آن هنجار است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: خداوند هیچ‌کس را جز به قدر توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند (بقره، ۲۸۶)؛ همچنین در جای دیگر می‌فرماید: بر ناتوانان و بر بیماران و بر کسانی که چیزی نمی‌یابند [تا در راه جهاد] خرج کنند - در صورتی که برای خدا و پیامبرش خیرخواهی نمایند - هیچ گناهی نیست، [و نیز] بر نیکوکاران ایرادی نیست، و خدا آمرزنده مهربان است (توبه، ۹۱).

معاف از مجازات بودن تخلف از هنجار در موارد اجبار و اشتباه: همچنین در مواردی که شخص مجبور به تخلف از هنجار است و یا به اشتباه کاری را انجام داده است، تخلف او از هنجار مورد عفو قرار می‌گیرد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: هر کس پس از ایمان آوردن خود، به خدا کفر ورزد [عذابی سخت خواهد داشت] مگر آن کس که مجبور شده و [لی] قلبش به ایمان اطمینان دارد. لیکن هر که سینه‌اش به کفر گشاده گردد خشم خدا بر آنان است و برایشان عذابی بزرگ خواهد بود (نحل، ۱۰۶)؛ و نیز می‌فرماید: ... و در آنچه اشتبهاً مرتکب آن شده‌اید بر شما گناهی نیست ولی در آنچه دل‌هایتان عمد داشته است [مسئولید] و خداست که همواره آمرزنده مهربان است (احزاب، ۵).

#### کد‌گزینی: حکیمانه بودن هنجارگذاری

پیامدها	زمینه	تعاملات	شرایط
۱. پای‌بندی اشخاص به هنجارها؛ ۲. تقویت کنترل درونی؛ ۳. پیشگیری از کجروی.	۱. جامعه؛ ۲. خانواده؛ ۳. شخص.	۱. لزوم پذیرش حاکمیت خداوند و پیامبران؛ ۲. مقتدر بودن هنجارها؛ ۳. مجاز نبودن اشخاص آماج هنجار در تغییر هنجارهای مبتنی بر حق؛ ۴. بهنجار نشدن کجروی بر اثر کثرت متخلفان از هنجار؛ ۵. محدود بودن هنجارهای منع‌کننده؛ ۶. انعطاف در هنجارگذاری و اجرای هنجار.	۱. تعیین هنجارهای مورد نیاز؛ ۲. ابهام نداشتن هنجارها؛ ۳. رعایت منافع واقعی اشخاص آماج هنجار؛ ۴. زمینه‌سازی برای استحکام و مقبولیت هنجارها؛ ۵. عدم جعل هنجار بر اساس منافع گروه خاص؛ ۶. حق محور بودن هنجارگذاری؛ ۷. خودخواهانسه نبودن هنجارگذاری.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از آنجا که نوع هنجار می‌تواند در نقض یا تبعیت از آن مؤثر باشد، اولین عنصر مورد توجه آموزه‌های قرآن کریم در پیشگیری از کجروی، «هنجارگذاری» است؛ اینکه چه کسی و با چه ویژگی‌هایی و با چه اهدافی هنجارها را تعیین می‌کند، تأثیر بسزایی در تبعیت از این هنجارها و یا نقض کردن آنها خواهد داشت. پشتوانه عقلانی هنجارها یعنی مقبولیت همه جانبه هنجارگذار و رعایت مصالح و مفاسد واقعی اشخاص آماج هنجار در هنجارگذاری از این موارد است. قرآن کریم حق هنجارگذاری را مختص خدایی می‌داند که خالق انسان‌ها، دانای مطلق و حکیم است؛ خدایی که به همه ویژگی‌های و نیازهای انسان آگاهی دارد و برنامه زندگی او را براساس هدف خلقت، تنظیم کرده است؛ بدین ترتیب در تعیین هنجار به منافع تبعیت‌کننده از هنجار توجه کامل شده است.

خداوند کریم با اثبات حقانیت محتوای پیام و آورنده پیام با اعلام معجزه بودن قرآن کریم، و اینکه حتی یک سوره از آن قابل ارائه توسط انسان‌ها نیست، نسبت این هنجارها را به خود اثبات می‌کند. انتساب این هنجارها به خداوند در جامعه معتقد به خدا، زمینه مقبولیت هنجارها را فراهم می‌سازد. شخصیت هنجارگذار و نوع رابطه او با تبعیت‌کننده از هنجار نیز بر تبعیت از هنجارها اثرگذار است. عناصری مانند اعتماد، جاذبه، تعهد، محبت و رابطه متقابل، نقش اصلی در ایجاد توانایی بر تأثیر گذاشتن بر دیگری و متقاعد کردن او برای تبعیت از هنجارها و یا تغییر کنش نابهنجار دارد. انسان درخواست‌های دوستان و کسانی را که دوست دارد، بیش از دیگران برمی‌آورد؛ همچنین شخص درخواست کسانی را که قبلاً لطفی در حق او کرده یا امتیازی به وی داده‌اند، بیشتر اجابت می‌کند.

قرآن کریم نیز با نشان دادن محبت خداوند و پیامبر به انسان‌ها به دنبال تقویت رابطه عاطفی میان انسان‌ها و هنجارگذار است. علاوه بر آن، قرآن در موارد متعدد انسان‌ها را از جهات مختلف مدیون خداوند می‌داند: مواردی از قبیل اصل خلقت انسان، پرورش انسان، دادن نعمت‌های مختلف به انسان. بنابراین احساس مدیون بودن، زمینه را برای اجابت دستور خداوند و پیامبر و تبعیت از هنجارها برای انسان‌های معتقد فراهم می‌کند. علاوه بر این، با بیان صفات خداوند، عظمت او را برای انسان‌ها نشان می‌دهد تا از این طریق، از دستورات او پیروی کنند.

### فهرست منابع

۱. قرآن کریم ترجمه ناصر مکارم شیرازی (نسخه کامپیوتری نور).
۲. قرآن کریم ترجمه محمد مهدی فولادوند (۱۳۸۴) و (نسخه کامپیوتری نور).
۳. قرآن کریم ترجمه رضایی اصفهانی و همکاران (نسخه کامپیوتری نور).
۴. نهج البلاغه (صبحی صالح)
۵. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۶)، علل الشرائع، ج ۶، ترجمه هدایت الله مسترحمی، تهران: کتابفروشی مصطفوی.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۷)، امالی الصدوق، ترجمه کریم فیضی، قم: تهذیب.
۷. آرون، ریمون (۱۳۷۷)، مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی، ج ۴، ترجمه باقر پرهام.
۸. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴)، وسائل الشیعه، ج ۲۸، قم: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.
۹. خسروشاهی، قدرت‌الله (۱۳۸۶)، پیشگیری از جرم در آموزه‌های قرآن، رساله دوره دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
۱۰. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۹۱)، تفسیر قرآن مجید (مهر جوان) (یک جلدی)، ج ۲، قم: نسیم حیات.
۱۱. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸)، آنومی یا آشفتگی اجتماعی: پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران، ج ۱، تهران: سروش.
۱۲. رنجبر، هادی و دیگران (۱۳۹۱)، «نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی: راهنمایی برای شروع»، مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران، س ۱۰، ش ۳، ص ۲۳۸-۲۵۰.
۱۳. ساروخانی، باقر (۱۳۷۷)، دائرةالمعارف علوم اجتماعی، تهران: دانشگاه تهران.
۱۴. سلیمی، علی و محمد داوری (۱۳۹۱)، جامعه‌شناسی کجروی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۵. صدیق اورعی، غلامرضا (۱۳۸۲)، بررسی ساختار نظام اجتماعی در اسلام، تهران: اداره کل پژوهش‌های سیما.
۱۶. صدیق‌سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۳)، آسیب‌شناسی اجتماعی: جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، ج ۱، تهران: آن.

۱۷. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، ج ۲، ۴ و ۷، قم: دفتر نشر اسلامی.
۱۸. العوجی، مصطفی (۱۹۸۷)، دروس فی علم الجنای، ج ۲، ۱، بیروت: مؤسسه النوفل.
۱۹. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰)، کتاب التفسیر، تهران: چاپخانه علمیه.
۲۰. قائم مقامی، فرهنگ (۱۳۵۵)، نظام گسیختگی و انحرافات اجتماعی، تهران: مؤسسه انتشارات روشنفکر.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق)، الکافی، ج ۱، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۲۲. کونن، بروس (۱۳۷۲)، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه و اقتباس غلامعباس توسلی و رضا فاضل، چ ۱، تهران: سمت.
۲۳. گسن، ریمون (۱۳۷۰)، مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی، ترجمه مهدی کی‌نیا، چ ۱، تهران: [بی‌جا].
۲۴. لسنکی، گرهارد ایمنیونل (۱۳۷۰)، سیر جوامع بشری، ترجمه ناصر موفقیان، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۲۵. محسنی تبریزی، علیرضا، علی سلیمی (۱۳۹۱)، «تحلیل محتوای کیفی قیاسی و بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی در علوم اجتماعی»، روش‌شناسی علوم انسانی، ۱۸ (۷۲)، ص ۱۳۵-۱۵۸.
۲۶. مندراس، هانری و ژرژ گوریچ (۱۳۵۶)، مبانی جامعه‌شناسی، چ ۴، تهران: مؤسسه سیمغ.
۲۷. میرخلیلی، سید محمود (۱۳۸۵)، پیشگیری وضعی از بزهکاری: با نگاه به سیاست جنایی اسلام، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۲۸. وبر، ماکس (۱۳۷۴)، اقتصاد و جامعه: مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی اقتصادی، جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه عباس منوچهری، مهرداد ترابی‌نژاد، مصطفی عمادزاده، تهران: مولی.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی